

جلسه ۲۰۷ (ج) ۹۰/۱/۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض کردیم که روایات کثیره ای داریم که دلالت دارند بر اینکه اگر کسانی در بلاد دیگر در اول ماه هلال ماه را ببینند برای دیگران هم اول ماه ثابت می شود و دیگر در هیچکدام از این روایات قیدی برای افق ذکر نشده و بحث ما نیز در این است که آیا وحدت افق در رؤیت هلال اعتبار دارد یا نه؟ عرض کردیم که عده ای قائل به اعتبار وحدت افق در رؤیت هلال هستند لذا می گویند تنها در نقاطی که با هم وحدت افق دارند اول ماه ثابت است و عده ای هم وحدت افق را در مسئله رؤیت هلال معتبر نمی دانند لذا می گویند که در تمامی نقاطی که در شب بودن با هم مشترکند اول ماه ثابت است، زیرا تشکل ماه به شکل هلال یک امر واقعی سماوی تکوینی می باشد و ما نیز مثل دسته دوم به اطلاق روایات تمسک کردیم و گفتیم که وحدت افق در رؤیت هلال مؤثر نمی باشد و اِلّا ائمه (ع) باید در روایات مذکور در باب به این مسئله اشاره می کردند.

خوب چهار خبر از شش خبر مذکور را خواندیم و اما خبر پنجم خبر حبیب خزاعی یعنی خبر ۱۳ از باب ۱۱ از ابواب احکام شهر رمضان می باشد، خبر این است: «و باسناده عن سعد بن عبدالله عن ابراهیم بن هاشم عن اسماعیل عن یونس بن عبدالرحمن عن حبیب الخزاعی قال: قال أبو عبدالله (ع) لا تجوز الشهادة فی رؤیة الهلال دون خمسين رجلا عدد القسامة، و إنّما تجوز شهادة رجلین إذا كانا من خارج المصر و كان بالمصر علة فأخبرا أنّهما رأياه، و أخبرا عن قوم صاموا للرؤية و أفطروا للرؤية». آقای خوئی در ص ۲۲۸ از جلد ۴ معجم رجال حدیث فرموده اند که حبیب خزاعی و خنعمی هر دو یک نفرند و ثقه می باشد، و همانطور که می بینید در این خبر هم فقط گفته شده اگر عده ای از خارج بلد

آمدند و خبر به رؤیت هلال دادند حرفشان را قبول کنید و دیگر ذکری از وحدت افق نشده.

اما ششمین و آخرین خبر صحیحه حلبی یعنی خبر ۹ از باب ۵ از ابواب احکام شهر رمضان می باشد، خبر این است: «و باسناده عن الحسين بن سعيد عن محمد بن الفضیل عن أبي الصباح (و عن صفوان) عن ابن مسكان عن الحلب جميعا عن أبي عبدالله (ع) - فی حدیث - قال ك قلت: أريت إن كان الشهر تسعة و عشرين يوماً، أقتضى ذلك اليوم؟ فقال: لا، إلی أن یشهد لك بینة عدول، فإن شهدوا أنّهم رأوا الهلال قبل ذلك فاقض ذلك اليوم». «أبی الصباح نامش ابراهیم بن نعیم است و کان من أصحاب أبی عبدالله (ع) و یسمیة المیزان لثقتة، خوب این شش خبر که تماماً صحیح السند هم بودند عمده دلیل ما برای عدم اعتبار وحدت افق می باشند البته ادله دیگری هم داشتیم که قبلاً خدمتتان عرض کردیم.

خوب و اما یک مطلبی که در اینجا وجود دارد و باید به آن توجه شود این است که اگر شخصی در آخر شعبان تردید کند که آخر شعبان است یا اول رمضان به این صورت که فرض کنید اول شعبان پنج شنبه بوده و تا این پنج شنبه می شود ۲۹ شعبان و فردا هم جمعه است ولی نمی داند که فردا آخر شعبان است یا اول رمضان بعد در شب جمعه رفت و استهلال کرد و ماه را دید پس معلوم شد که شعبان ۲۹ روز بوده لذا جمعه را روزه گرفت و بعد در روز شنبه به طرف مشرق مسافرت کرد (زیرا ماه در بلاد غربی زودتر از بلاد شرقی دیده می شود) و به شهری وارد شد که ماه را در شنبه دیده بودند (یعنی اول ماهشان شنبه بوده)، حالا فرض کنید که در آخر ماه اهل این شهر در روز یک شنبه نیز ماه را ندیده اند یعنی از شنبه اول تا شنبه آخر ماه می شود ۲۹ روز ولی در شب یکشنبه ماه را ندیده اند که در این صورت ماه رمضان اینها می شود ۳۰ روز ولی برای شخص مذکور که به شهر آنها مسافرت کرده و قصد اقامت هم کرده و اول ماهش در شهر خودش جمعه بوده ماه رمضانش می شود ۳۱ روز، حالا طبق



قول آنهایی که وحدت افق را مؤثر می دانند این شخص باید ۳۱ روز روزه بگیرد ، پس این یک نقصی می شود بر قول آنهایی که وحدت افق را مؤثر می دانند ، عکس این قضیه هم ثابت است (یعنی اگر در آخر ماه سفر کند) بنابراین در یک فرضی ماه برای این شخص می شود ۳۱ روز و در فرض دیگر (مسافرت در آخر ماه) ماه برایش ۲۸ روز می شود که هیچ یک از این دو فرض صحیح نمی باشند لذا این فرض ها تالی فاسد قول اعتبار وحدت افق می باشند .

خوب و اما یک مطلب مهم تری نیز وجود دارد اشکال دیگری به کسانی که قائل به اعتبار وحدت افق هستند وارد می باشد و آن این است که اینها در کلماتشان فرموده اند که اگر در یک جای عراق یا شام یا حجاز یا ایران ماه رؤیت شود برای تمامی شهرها و استانهای هر کدام از این کشورها اول ماه ثابت است مثلاً اگر در اهواز ماه را ببینند برای مشهد نیز اول ماه ثابت است زیرا شهرهای این کشور همگی شهرهای یک مملکت و همگی در یک کشور می باشند ، خوب و اما اشکال ما به این حرف این است که شما می گوئید که اگر در کویت ماه دیده شود برای ایران اول ماه ثابت نیست زیرا یک مملکت دیگری می باشد در حالی که این دو کشور از نظر طول و عرض جغرافیایی یک درجه بیشتر با هم فاصله ندارند ولی از طرفی می گوئید که اگر در اهواز ماه دیده شود در مشهد هم اول ماه ثابت است زیرا هر دو از شهرهای یک مملکت می باشند در حالی که این دو شهر از نظر طول و عرض جغرافیایی ۱۰ درجه با هم تفاوت دارند لذا این حرف خیلی عجیب است زیرا ماه کشور و مملکت نمی شناسد پس این اشکال به کسانی که قائل به وحدت افق هستند در اینجا وارد است و تا به حالا کسی جوابش را نداده است ، بقیه بحث بماند برای بعد... .

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

